

- ۲ • اسلام مجاهد یا اسلام متحجر؟! ۲
- ۲ • دیندارتر شده‌ایم! ۲
- ۳ • مرحبا بقوم... ۳
- ۴ • به اقتدای زینب (ع) ۴



# این الرّبیون؟!!

● مروری بر یک الگوی جامعه‌سازی مهدوی

◀ سرمقاله | علی حیدری، دانشجوی کارشناسی معارف اسلامی و مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق (ع)

به هوش که آمد، با دیدن آن‌چه مقابل چشمانش بود، شروع کرد به گریستن. مردی که حملاتش ملائکه را به تعجب وا می‌داشت، آنقدر در آُحد ضربه شمشیر به جانش خریده بود که گویی کثرت زخم‌ها به وحدت رسیده بودند.

با همان شوق و آلم توأمان، خدا را شکر کرد که توانسته از جان رسول‌الله (ص) دفاع کند و به پیغمبر عرضه داشت: «دار و ندارم فدای شما... والله هیچ‌گاه شما را رها نمی‌کنم...»

از پس این ماجرا، جبرئیل امین، بشارت آیاتی را به پیامبر اکرم (ص) داد که امیرالمومنین (ع) اوج مصداقش بود. آیات رّبیون!

جان‌ها به فدای امیرالمومنین (ع)؛ زّانی‌ترین و رّبی‌ترین عالم.

«وَ كَأَيُّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند)؛ و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد. (۱۴۶ آل عمران)

ربیون به طور خلاصه، جمع افراد مومنی هستند که حول ولایت الهی گرد آمده‌اند و تبدیل به یک کُلّ واحد شده‌اند. اراده‌ای از خود ندارند و ذوب در اراده الهی هستند و تابع محض ولی ربّانی. اهل استقامت‌اند. ارتباطشان با هم یک رابطه ولایی جدایی‌ناپذیر است. روح جمعی حاکم بر حلقه ربیون، مانع ایجاد تفرقه در میانشان است. جنود طاغوت با همه توانشان از جدا کردن حتی یک نفر از رّبیون نیز عاجز است. آن‌ها مانند دانه‌های شکر نیستند که کنار هم باشند و ربطی به هم نداشته باشند؛ بلکه «كَأَنَّهُمْ بُيُوتٌ مُرْصُوصَةٌ!» و همین آن‌ها را پیروز می‌کند.

رّبی یعنی منتسب به پروردگار، از حیث اطاعت کردن و اثرپذیری. در سوی دیگر، رّثانی یعنی منتسب به پروردگار از حیث اثرگذاری و اطاعت شدن. رّبیون برای سایر مردم، نقش رّثانی دارند و حلقه میانی امام و امت‌اند. بیایید منصف باشیم! در مقایسه خود با الگوی رّبیون، و در روزگاری که محور مقاومت، مصداقی از رّبیون شده، آیا ما اصلا از هم خبر داریم؟ پیوند منسجمی در کار هست؟ در پی استحکام و ترمیم رابطه‌های مخدوش شده با مومنین هستیم؟ حاضریم کدورت‌های فردی و جمعی‌مان را فدای سر ولی عصر (عج) کنیم تا این پیوندها از بین نرود؟

یا هنوز با نیش و کنایه، گیر عقده‌خالی‌کردن‌های ایام انتخاباتیم؟ شاید هم جوگیر از اتفاقات سوریه و شهادت سید، به جای آسیب‌یابی و تحلیل نقادانه واقعه، مشغول طعنه زدن به فرماندهان هستیم؟ دغدغه داریم که ارتباطی میان دانشجویان انقلابی محور مقاومت ایجاد کنیم؟ یا اقلا با دانشجویان انقلابی کشور خودمان ارتباط بگیریم و هم‌افزایی داشته باشیم؟ اصلا قصدی داریم که خانواده، دوست و آشنا، اهالی کوچه و بازار را با سلاح تبیین و رأفت به این نهضت اضافه کنیم؟

از طرفی برای خلاصی از شر زایل اخلاقی ریزودرشتان بی‌تابی می‌کنیم؟ اهل استغاثه به وجود مقدس امام زمان (عج) هستیم؟ می‌خواهیم هویت نفس و انانیت خود را کنار زده و با هویت شیعی، متلبّس به صفات کمالیه شویم؟ یا معاذالله گناهان امیرالمومنین (ع) بیشتر از ما بود که در نیمه‌های شب از فرط عبادت از هوش می‌رفت؟

مشیت الهی بر این بوده که در نیمه‌شب غیبت، ما از اصحاب سخر آخرالزمان باشیم و تا طلوع فجر صادق تکلیف بیدار ماندن و بیدار کردن را بر دمه ما بگذارند. تا فرصت هست باید در این وانفسا مجهز و متحد شویم و خود را برسانیم به سپاه صاحب‌الزمان (عج) که جایی در همین نزدیکی‌ها منتظر جاماندگان است. و نیک می‌دانیم بیدار بودن برای پیوستن به آن کافی نیست و چاره کار، رّتی شدن است.

فی‌الواقع، ما هر آن مقداری که با الگوی عملی رّبیون در جامعه‌سازی فاصله داریم، با نصر و فتح و سپاه صاحب‌الزمان (عج) فاصله داریم و به عقوبت خداوند نزدیکیم! و صِلِ إِلَيْهِمْ بَيْنًا وَ بَيْنَةً وَبَيِّنَةٌ... وَصَلَةٌ...

## دیندارتر شده‌ایم!

● وضعیت دینداری از دیروز تا امروز

⊙ علی صفائی، دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فقه و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

برخی تلاش دارند تصریح کنند که مردم ایران به مرور زمان و به دلیل مشکلات متعدد از جمله مسائل اقتصادی، نسبت به مقولات دینی بی تفاوت تر شده و چه بسا از دین‌گریزان گشته‌اند. عجیب است که این جماعت دستاوردهای دینی، اخلاقی و معنوی که انقلاب اسلامی برای جامعه‌ی ایران به ارمغان آورده را نمی‌بینند؟! دائم از دینداری مردم در زمان طاغوت سخن گفته و از بی دینی مردم در حکومت اسلامی می‌نالند. در واقع نمی‌دانند که اساساً وقتی دین‌داری می‌شویم، بیشتر نگران کاهش دین‌داری هستیم.

ما در روزگاری هستیم که دنیا پر از انواع و اقسام فساد و فحشاست که از جهت کیفیت و کمیت در طول تاریخ زندگی انسان بی‌سابقه بوده. حال جوانی که در این زمانه زندگی میکند و با کنیف‌ترین گناهان چند ثانیه فاصله دارد اما تقوایش او را به بندگی خدا می‌کشاند، با مردم روزگاران قبلی قابل مقایسه است؟

به گواهی تاریخ، هدف اصلی حکام پهلوی در دوران سلطنت خود، مبارزه با دین و دینداری بوده است. جامعه‌ای که سردمدارانش با تمام توان در پی ترویج فحشاء و ابتذال بوده و از مشروب‌فروشی‌ها، کاباره‌ها و قمارخانه‌ها حمایت میکردند، می‌تواند دیندار باقی بماند؟

کنگره زرتشتیان در تهران و جشن هنر شیراز که صدای پارسونز، سفیر وقت انگلیس در ایران را هم در آورده بود، نمونه‌ی شرم‌آوری از این تلاش‌های مذبحخانه‌ی سلطنت پهلوی در راستای معنویت زدایی از جامعه‌ی ایران است. به فرموده‌ی رهبری معظم، کسانی که می‌گویند جامعه دیگر دینداری‌اش را از دست داده، پدیده‌ی عظیمی مثل اربعین را چگونه تحلیل می‌کنند؟!

بزرگترین اجتماع بشریت که به همت جمهوری اسلامی و عراق و با حضور میلیونی جامعه‌ی ایرانی شکل می‌گیرد، آیا جز معنویت است؟

حضور فوج فوج آحاد مردم به خصوص جوانان و نوجوانان در مراسم‌های دینی و مذهبی نظیر اعتکاف چطور؟ شب‌های قدر، محرم و عید غدیر چطور؟ پدیده اعتکاف یکی از رویش‌های انقلابی است که قبل از این یا نبوده و یا به ندرت مشاهده می‌شده. اما امروز در سراسر کشور این مراسم معنوی، مورد استقبال چشمگیر مردم است.

حضرت آقا به خانواده شهید حججی فرمودند:

آن روز هم شما خیال نکنید همه جوان‌ها می‌رفتند جیهه؛ نه، در دوره‌ی جنگ هم یک عده‌ای جیهه می‌رفتند و مجاهدت می‌کردند و خود را در معرض انواع و اقسام مشکلات قرار می‌دادند، یک عده‌ای هم اینجا مشغول بی‌عاری و الواتی و کارهای گوناگون بودند؛ یعنی خیلی از جوان‌ها هم این‌جوری بودند.

همه شهدای ما در دوره هشت سال جنگ تحمیلی در حدود مثلاً سیصد هزار یا سیصد و خرده‌ای هزار است. این در قبال آن چهل میلیون جمعیت ایران چیز زیادی نبود؛ یعنی همان زمان هم این‌جور نبود که همه‌ی جوانها انقلابی باشند. امروز اگر شما نگاه کنید، [تعداد] جوان‌هایی که گرایش انقلابی دارند، فهم انقلابی دارند، نسبت به مجموع جوان‌ها به گمان من یا بیشتر از آن روز است یا لاقبل به قدر آن روز است.



## اسلام مجاهد یا اسلام متحجر؟!

● از دعا تا کنش؛ انتخابی بین اسلام ناب و اسلام اموی

⊙ امیر غلامی، دانشجوی کارشناسی معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

این تفکرات با ظاهر حمایت از اسلام ناب و ارزش‌های انقلابی تبلیغ می‌شوند، اما در عمل، مسیر اسلام اموی و سکولار را تقویت می‌کنند. دانشجویان انقلابی باید با مطالعه و تعمق در آثار امام و رهبر انقلاب، قدرت تحلیل خود را افزایش دهند و ابزارهای شناخت انحراف را در برابر این نفوذ تقویت کنند. اگر این بنیة فکری تقویت نشود، آسیب‌پذیری ما در برابر دشمنان بیشتر خواهد شد. علاوه بر این، وظیفه داریم دوستان و اطرافیان خود را نیز در این مسیر یاری کنیم، همان‌طور که شهید دیالمه با پایه‌گذاری "مجمع احیاء تفکرات شیعی" در دانشگاه فردوسی مشهد نشان داد که چگونه یک دانشجو می‌تواند منشأ تحول فکری و فرهنگی در محیط دانشگاهی باشد. کلاس‌های عقیدتی او در دوران جوانی و در اوج هجوم تفکرات غربی و شرقی، به مکانی امن برای جوانان مشهدی و بعدها تهرانی تبدیل شد. در این تشکیلات، او به دنبال ایجاد تفکر شیعی نبود، بلکه تلاش می‌کرد تا زمینه فهم و عمل به اسلام ناب را فراهم کند و با انحرافات فکری مقابله نماید. همه‌ی ما مسئولیم که از فضای معنوی اعتکاف‌ها نه تنها به عنوان ارتباط با خداوند، بلکه به عنوان استحکام اراده و قدم‌های عملی استفاده کنیم. امروز وظیفه ما دانشجویان انقلابی، شناسایی این مرزها و تحریک خود و دیگران برای حرکت در مسیر انبیاء است. همان‌طور که امام خمینی (ره) فرموده‌اند، "اسلام دین سیاست است" و جدا کردن سیاست از اسلام، تحریف ماهیت این دین الهی است.

نهایتاً، باید فراموش نکنیم که دعاها و عبادت‌ها اگر به کنش تبدیل نشوند، به همان انزوا و انفعال ختم می‌شوند که امام خمینی (ره) از آن به شدت برحذر داشته‌اند. بین اسلام ناب و اسلام اموی، انتخاب هر کدام مسیری از تاریخ و مسئولیت ما را رسم می‌کند. اسلام ناب، ما را به عدالت، مقاومت و آزادی می‌خواند، در حالی که اسلام اموی، سکوت و انفعال را ترویج می‌دهد. انتخاب با ماست: آیا پیرو راه انبیاء و اولیاء خواهیم بود یا گرفتار در دام تحریف و تسلیم؟

هر سالی که مراسم اعتکاف، این خلوت جمعی قلب‌های مسلمانان برای نزدیکی به قله معنویت، در مساجد برپا می‌شود، یادآور این حقیقت است که دعا و عبادت، فرصتی برای اقدام و کنش در راه انسانیت و عدالت محسوب می‌شود. اسلام ناب محمدی (ص) هیچ‌گاه به دعا و عبادت صرف بسنده نکرده و همواره قیام برای حق و عدالت را سرلوحه خود قرار داده است.

برای درک بهتر این مسئله، لازم است به جنگ فکری و تاریخی بین دو نوع اسلام - اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام اموی - توجه کنیم. اسلام ناب، اسلامی است که از توحید تا عدالت، و از اعتقاد تا عمل، مسیری فعال و پویا را نشان می‌دهد. این همان اسلامی است که امام خمینی (ره) در جدال دو اسلام آن را به عنوان اسلام حقیقی معرفی می‌کند. در مقابل، اسلام اموی جنبه‌ای است از تحریف و سکوت که تنها به نفع مستبدان و سلطه‌گرایان خدمت می‌کند. این اسلام، با شعارهای فریبنده و معنویت‌نمایی بی‌اثر، جامعه را به سوی تسلیم شدن و انفعال سوق می‌دهد.

امروز دانشجوی مسلمان در برابر انتخابی تاریخ‌ساز قرار دارد: انتخاب بین اسلامی که صرفاً ادعای معنویت دارد و در عمل به مستکبران خدمت می‌کند، و اسلامی که انسان را در نهایت توحید و معنویت حقیقی، به قیام و مبارزه با ظالم دعوت می‌کند. امام خمینی (ره) به روشنی بیان می‌کند که اسلام ناب، هرگز از مسائل اجتماعی و سیاسی جدا نیست. دعای صرف و انزوا به نفع هیچ فرد و جامعه‌ای نخواهد بود.

در راستای تحقق قیام برخاسته از معنویت، یکی دیگر از وظایف مهم ما، تقویت بنیة فکری و فهم تفکر اسلامی اصیل است. در این مسیر باید هوشیار باشیم که دشمنان اسلام، گاه با شعارهایی جذاب و حتی با ادعای همراهی با تفکرات امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب، سعی در نفوذ تفکرات التقاطی و انحرافی دارند. این خطر، زمانی شدت می‌گیرد که



## امام روح الله علیه السلام من مطمئنم...

من اطمینان کامل دارم که تمامی مردم در اصول، همچون گذشته، پشتیبان نظام و انقلاب اسلامی خود هستند و این حضور و آمادگی خود را در دهها و صدها صحنه به جهانیان نشان داده‌اند. من در این جا خود را شرمند و کوچک‌تر از آن می‌دانم که زبان به وصف و تقدیر از این مردم بگشایم. خداوند پادشاه عظیم این همه اخلاص و رشد و بندگی را خواهد داد؛ ولی به آنان که ناآگاهانه مردم شریف و عزیز ما را متهم به رویگردانی از اصول و اسلام و انقلاب می‌کنند سفارش و نصیحت می‌کنم که برداشتها و تصورات نابه‌جای خود را به حساب انقلاب و مردم نگذارند.

صحیفه امام، جلد ۲۱ - صفحه ۱۸۶



## مَرَحِبًا بِقَوْمٍ...

● جهاد با نفس، کلید طلایی مبارزه و حرکت

◀ محمدرضا منتظری، دانشجوی کارشناسی معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام

هست و بربموصول و آن نتیجه «رهبان اللیل» بودنش است.

اگر جهاد اکبر مدافعان حرم نبود، در جهاد اصغر به یکدیگر تذکر «استفاده نکردن از اموال مردم» را نمی‌دادند تا مبدا حق‌الناسی به گردنشان بماند. اگر نبود جهاد اکبر سربازان حزب‌الله، فضای مجازی پر نمی‌شد از عکس کاغذ نوشته‌هایی که «الی‌اهالی المنزل؛ نطلب السماح منکم، اخذنا بعض الطعام و الشراب فی هذه البنايه».

باید ضرورت خودسازی مجاهد میدان را از سیره شهدا درک کرد که اگر مهدی زین‌الدین در سن ۲۵ سالگی، چنین فتوحاتی در میدان نبرد داشت، سال‌ها پای درس شیخ جعفر مجتهدی خود را ساخته بود. اگر رهبری صیاد شیرازی را نمونه می‌خواند، به این خاطر است که در محضر آیت‌الله بهاء‌الدینی شاگردی کرده بود. و اگر نبود سید حسن نصرالله خسارت است، همانا در سجاده نماز شبش ساخته شده است.

تفاوت لشکر اسلام و غیر آن در آنجاست که در جنگ جهانی دوم، پس از آنکه قوای جسمانی نیروها رو به ضعف می‌رود، میان خود نوشیدنی‌ها پخش می‌کردند؛ اما اینجا، در پشت خاکریزهای جبهه جنوب کشور، جوانان این سرزمین، زمانی که هیچ آمیدی به پیروزی نبود، میان خود کاغذهای زیارت عاشورا پخش می‌کردند و نصرت نصیبشان می‌شد...

تفاوت فرماندهان ما با آنها در این است که وقتی فرمانده ترازیشان در محاصره می‌افتد، دست به خودکشی می‌زند؛ اما فرمانده ما زمانی که خط نمی‌شکند، به دنبال روضه‌خوان است تا با توسل به حضرت مادر، صدیقه طاهره سلام‌الله علی‌ها، دشمن را به ستوه آوردند.

باشد که حالا بهتر بفهمیم این جمله را از پیامبر مهربانی‌ها: «مرحبا بقوم قضاوا الجهاد الاصغر و بقى عليهم جهاد الاكبر». خوشامد می‌گویم به مردمانی که جهاد اصغر را گذراندند؛ ولی جهاد اکبر همچنان بر عهده آنان باقی‌مانده است.

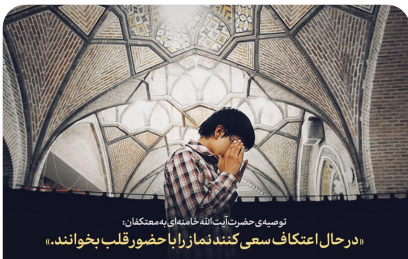
پس از قرن‌ها آمد و شد تاریخ، یکی از میراث‌گران بهای اهل بیت و پیروان صالحان آن بود که نور معنویت در دل و جان آنکه طالب مبارزه در راه حق است باید روزبه‌روز بیشتر جلوه کند؛ وگرنه قلبی کم نصیب از معرفت الهی مدام در میدان جهاد پایش می‌لنگد.

می‌فرماید امیر بیان که اگر در خانه خود مورد هجوم قرار گیرید، ذلیل خواهید شد. یعنی که بروید سنگر را جلوتر بزنید. اما سؤال اینجاست، مقابل چه دشمنی و در چه نبردی؟

کلام شریف الهی است که «فضل‌الله المجاهدین علی القاعدین». اما چه مجاهدی؟ اختیار می‌کنیم کدام زندگی جهادی را؟ آن «قتیل الحمار» بیچاره بود و از اجر بی‌بهره؟ یا که اصلاً خواجه ربیع باشیم و در سجاده محصور؟! و یا آن مالک‌اکثر در میدان نبرد منصور که امامش در وصف چنین شیعیانش گوید رهبان اللیل و اسدالنهار!...

آن مجاهدی سنگرش در میدان نبرد مقابل دشمن محکم‌تر است که سنگر دلش در مقابل شیطان محکم‌تر است. مویذ آنجاست که خواب و خوراک از عارفی سلب شد، وقتی شنید اگر عزمی در راه خیر بر شما به وجود آید، شیطان یک‌قدم جلوتر به فکر گمراهی شماست... اما آیا این شیطان برای مجاهدین در میدان برنامه ندارد؟ البته که دارد و همان قتیل الحمار در غزوه احد از آن حکایت دارد. اما برای ما، ولی‌امر مسلمین جهان چه خوب روایت کرد قصه سرباز وظیفه خود را؛ که «هر جهاد بیرونی در واقع تکیه دارد به یک جهاد درونی» و حاج‌قاسم همان مجاهد است.

حاج‌قاسمی مجاهد است که در سجاده خود را ساخت و «الدنیا مزرعه الآخرة» را فهمید و کل دنیا را محل کشت خویش قرار داد. سطح کشت یک «قاعده» سجاده‌اش است؛ اما برای یک «مجاهد» یک شهر، کشور و یا حتی دنیا که آن هم ضرب در زمان می‌شود. منتها آن سطح کشت مجاهد، عمیق هم



توصیفی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به‌مناسبت «در حال اعتکاف سعی کنند نماز را با حضور قلب بخوانند».

### ● چرا حضور قلب؟

به نظر می‌رسد که ارتباط زیادی است بین حضور قلب و بحث نفی خواطر (کنترل ذهن). کنترل ذهنی که آن قدر مهم است که کیفیت ارتباط ما با خدایمان را تعیین می‌کند، قطعاً یکی از این عوامل رسانه است، رسانه‌ای که به هیچ چهارچوبی پایبند نبوده و نیست و ما را به هزاران مسائل بعضاً بدرنخور و بی‌فایده مشغول کرده که نه تنها رابطه‌مان را با خدایمان تحت الشعاع قرار داده بلکه باعث شده خودمان را هم گم کنیم.



### ● هجرت از خویشتن

آدمی‌زاد اسیر خویشتن خویش است و تا به سفر نرود از عالم خویش باخبر نمی‌شود. خانه، محل سکونت است و مؤمن، اهل سکون نیست. دشواری هجرت، در دل‌کنندن از خانه‌ی عادات و دیوار تعلقاتی‌ست که با آنها انس داریم. و چگونه پای سلوک در طریق حق گذارد آنکه توان هجرت ندارد؟

کتاب گنجینه آسمانی

# به اقتدای زینب

● امتداد تاریخ، از شام تا ضاحیه

④ فاطمه بهرامی، دانشجوی کارشناسی حقوق پردیس خواران دانشگاه امام صادق (ع)



## ● ایستاده در محراب

به عبارتی تمام زندگی حضرت آیت الله عاملی در این تصویر خلاصه می‌شود. ایستاده در محل حرب و نبرد؛ محراب.

او حقیقت عبودیت را در علم و عرفان و سیاست جمع کرده و به تصویر کشیده است و تبدیل به خار چشم دشمنان بی‌ارزش و تنگ نظر شده است. از قدرت مسلمان ایرانی که حرف می‌زند، ترسوهایی بی‌هویت به هذیان گویی می‌افتند سید حسن‌ها به تبعیت از مقتدای خود، حسن بن علی (ع) معزالمومنین اعصار تاریخ هستند. از سیدحسن لبنان گرفته تا سید حسن آذربایجان...

## ● به دنبال زهد بر

راهی که می‌تواند مانع از تحریف شخصیت امام خمینی بشود بازخوانی اصول امام است. اولین مطلبی که در مکتب امام وجود دارد، اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی است. امام، اسلام ناب را مقابل اسلام آمریکایی خیر داد.

اسلام آمریکایی، اسلام آخوندهای درباری، اسلام داعشی؛ از آن طرف، اسلام بی‌تفاوت در مقابل جنایات صهیونیستی، در مقابل جنایات آمریکا، اسلام چشم‌دوخته‌ی به آمریکا و قدرتهای بزرگ و به اشاره‌ی آمریکا، اینها همه سر در یک آخور دارند؛ در یک جا اینها همه به هم میرسند؛ از نظر امام اینها همه مردودند. اسلامی که امام معرفی میکند، در مقابل همه‌ی اینها است.

پیرو امام، آن کسی که دنباله‌رو امام است، باید مرزبندی داشته باشد؛ هم با اسلام متحجر، هم با اسلام سکولار؛ اسلام ناب را شناسایی کند و دنبال کند.

بیانات در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی ۱۳۹۴/۰۳/۱۴

دهد و حقا هم نشان داد. زینب‌وار صبر و بردباری به خرج می‌دهند بر داغ‌هایی که قلب‌هایشان را از درد مملوء کرده است. دردهایی که کوه را متلاشی می‌کند ولی زنی که در هوای مقاومت تنفس می‌کند را نه! آن خردمندی و تدبیر در وجود این زن نمودهای مختلفی دارد؛ از رجزخوانی در کنار پیکر عزیزانشان گرفته تا راه‌انداختن عطر غذا در میان مخروبه‌ها! به هر طریقی که ممکن باشد، می‌کوشد که از مرگ زندگی در فلسطین جلوگیری کند.

اگر مقاومت زنان نبود، اصل و اساس مقاومت نه شکل می‌گرفت و نه ادامه پیدا می‌کرد. این زن است که با قوای عظیم معنوی و روحی خود فلسطین را سرپا و زنده نگه داشته است؛ حرکت این زن متصل است به حرکتی که زینب کبری در سال شصت و یکم هجری آغاز کرد؛ قیامی که از پایه‌های اسلام پاسداری کرد. حالا امروز زن فلسطینی به این بانوی والا مرتبه اقتدا کرده است و به تبعیت از او مجاهدانه به میدان آمده و میدان‌داری می‌کند. بعد از شهادت بزرگانی چون سید حسن نصرالله که جبهه‌ی مقاومت در شوک این بلای عظیم بود، این زن با حرکت خود این یخ‌زدگی را ذوب کرد و جانی تازه به مقاومت بخشید.

حضور حضرت زینب (س) در بطن مقاومت و به‌طور خاص در مقاومت زنانه، انکارناپذیر است؛ با نگاهی دقیق، می‌توان رگه‌های مقاومت زینبی و قیام زینبی را در حرکت امروز زن فلسطینی مشاهده کرد. گویی وعده و قراری میان این زنان با حضرت باشد؛ زینب کبری مصباح‌الهدایت باشند و راه‌ظلمانی را با نور وجودشان روشن کنند و این زنان دقیقاً جا پای خانم بگذارند.

زینب کبری (ع)، دو نکته را نشان داد: یک نکته اینکه زن می‌تواند اقیانوس عظیمی باشد از صبر و تحمل؛ دوّم اینکه زن می‌تواند قلّه‌ی بلندی باشد از خدمندی و تدبیر؛ اینها را عملاً زینب کبری (سلام الله علیها) نشان داد؛ نه فقط به آن عده‌ای که در کوفه و شام بودند؛ به تاریخ نشان داد، به همه‌ی بشر نشان داد. ۱۴۰۰/۹/۲۱ جایگاه حضرت زینب (س) در واقعه عظیم عاشورا بر همگان واضح و روشن است؛ هجده داغ در یک نیم‌روز دید و وقتی می‌خواست موقوفه کربلا را توصیف کند، فرمود: «ما رأیت إلا جمیلاً». باید از چشمان بصیر عقیده‌ی بنی‌هاشم به نینوای غرق خون نگریست که بتوان زیبایی‌اش را دید. در مقابل آن مصیبتی که در زیارت عاشورا، از آن به اعظم مصیبت‌ها یاد شده است، صبوری کرد، در برابر اهانت‌ها صبوری کرد، پناه اهل حرم شد و امام بعدی را از خطر حفظ کرد که زنجیره‌ی امامت از هم گسسته نشود، راوی کربلا شد و اول شخصی شد که جهاد تبیین را به راه انداخت تا روایت‌های غلط و خبیثانه‌ی دشمن، عاشورا را به ورطه‌ی نابودی نکشاند.

در روزهای خونباری که بر فلسطین می‌گذرد، گویی هر لحظه عاشورا تکرار می‌شود. حسین‌ها به گودال می‌روند و زینب‌ها علمدار اسلام می‌شوند. چطور می‌شود روح زینب کبری در جبهه‌ی مقاومت حاضر نباشد و زنان فلسطینی اینگونه بالای سر پیکره‌های به خون نشسته‌ی علی‌اصغرها و علی‌اکبرهایشان رجز بخوانند؟ تو گویی خطبه‌های حلماتی علی را از بر کرده باشند. می‌شوند مصداق عینی و حقیقی زنی که در بیان رهبری زینب کبری می‌خواست به تاریخ نشان

شناسنامه: مدیر مسئول: مهدی فیروزمند | جانشین مدیر مسئول: امیر غلامی | سردبیر: علی رضایی | شماره کارت جهت کمک به چاپ و توزیع نشریه فتح: هیئت تحریریه: علی حیدری، امیر غلامی، علی صفائی، محمدرضا منتظری، فاطمه بهرامی | ۶۰۳۷۹۹۸۱۲۲۷۳۵۰۹۳ به نام امیر غلامی



@ FathISU\_ir

سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۴۰۷۲ | BasijISU.ir

ف.ت.ح: نشریه گفت‌وگو: انقلاب اسلامی | صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

نشریه فتح | ۳۰۷